



آثار باستانی و ارزش های تاریخی

معرفی زنان (بانوان) که در شاهنامه حضور دارند

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۵ فروردین ۱۳۹۵ ۹۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

ارنواز و شهر نواز ارنواز و شهر نواز که از نزدیکان جمشید پادشاه اسطوره ای ایران زمین هستند، به همسری ضحاک درآمدند. پس از قیام کاوه آهنگر و پیروزی فریدون بر ضحاک، او این دو را به ازدواج خود درمی آورد. فریدون از شهرنواز صاحب دو پسر به نام های سلم و تور و از ارنواز صاحب پسر دیگری به نام ایرج می شود. چون این فرزندان به سن رشد می رسند، فریدون تمامی قلمروی خود را میان آنان تقسیم می کند. سلم و تور که به قلمروی ایرج یعنی ایران چشم دارند، برادر کوچکتر خود را به نامردی به قتل می رسانند. این دو برادر ب

ارنواز و شهر نواز

ارنواز و شهر نواز که از نزدیکان جمشید پادشاه اسطوره ای ایران زمین هستند، به همسری ضحاک درآمده بودند. پس از قیام کاوه آهنگر و پیروزی فریدون بر ضحاک، او این دو را به ازدواج خود درمی آورد. فریدون از شهرنواز صاحب دو پسر به نام های سلم و تور و از ارنواز صاحب پسر دیگری به نام ایرج می شود. چون این فرزندان به سن رشد می رسند، فریدون تمامی قلمروی خود را میان آنان تقسیم می کند. سلم و تور که به قلمروی ایرج یعنی ایران چشم دارند، برادر کوچکتر خود را به نامردی به قتل می رسانند. این دو برادر بعدها به دست منوچهر فرزند ایرج و به تحریک فریدون کشته می شوند.

تهمینه

دختر پادشاه سمنگان و همسر رستم و مادر سهراب بود. در پس زمینه ازدواج تهمینه و رستم و برخی ازدواج های دیگر شاهنامه مساله بسیار مهمی وجود دارد. پیش از آن باید یادآوری کنیم که شاهنامه فردوسی در واقع برگرفته از خداینامه یا خودای نامک دوره ساسانیان است که توسط ابن مقفع به عربی ترجمه می شود. هر چند شاهنامه فردوسی عینا همان خدای نامه نیست؛ اما به خوبی فرهنگ حاکم بر جامعه آن روز ایرانیان را نشان می دهد. فرهنگی که از آزادی دختران در انتخاب همسر سخن می گوید. رضایت زنان برای ازدواج از ارکان اصلی پیوند زناشویی است. از سوی دیگر می بینیم که هیچ مانعی برای ازدواج با مردان یا زنان خارج از قوم و ملیت وجود ندارد. در واقع هدف ازدواج، پیوندی است از روی محبت و صمیمیت و تشکیل خانواده ای براساس دوستی و عشق که می تواند فرزندی صالح و پرهیزگار پرورش دهد.

رودابه

رودابه دختر مهرباب کابلی و سیندخت و همسر زال و مادر رستم، پهلوان بزرگ ایران است. رودابه از زنان پاکدامن و پرآوازه شاهنامه است. این زن نماد عشق به همسر و فرزند است. زال که به دلیل داشتن موی و بدن سپید هنگام تولد مورد بی مهری پدرش سام قرار می گیرد، به کوهستان انداخته می شود تا طعمه درندگان شود اما سیمرغ یا سَنَ مرغ دانا، او را همچون فرزند خود می پروراند و نه تنها زال بلکه همسر و فرزند او را نیز در پناه و حمایت خود قرار می دهد. عشق رودابه به زال سپید موی و وفاداری او به همسرش داستانی دلکش و پراحساس است. نکته مهمی که در داستان زندگی رودابه باید مورد توجه قرار گیرد این است که او اولین زن تاریخ است که از طریق عمل سزارین فرزند خود را به دنیا می آورد. (البته رومیان قرن ها بعد این نوع زایمان را به مادر سزار امپراتور روم نسبت دادند) رودابه که رستم را باردار است، قادر به وضع حمل عادی فرزند خود نیست و چون در حال مرگ قرار می گیرد، سیمرغ به زال می آموزد که چگونه با شکافتن پهلوی همسرش، جان او و فرزندش را نجات دهد. با تولد رستم، زال با کشیدن پر سیمرغ به محل جراحات آن را التیام می دهد. این زن بنا بر روایت شاهنامه زمانی طولانی می زید ولی پس از مرگ رستم به حال دیوانگی می افتد و از آن پس راه تسلیم و جدایی را در پیش می گیرد.

سودابه

سودابه یا سوداوه دختر پادشاه هاماوران و همسر کیکاوس است. سودابه در شاهنامه نماد زنی است که اسیر کج اندیشی و وسوسه های اهریمن می شود. نقش سودابه در شاهنامه آن هنگام برجسته می شود که تبدیل به عامل

اصلی در جاودانه شدن سیاوش می شود. نقشی که زلیخا در داستان یوسف بازی می کند و نقشی که ملکه چینی دا چی در داستان شاهزاده بو یی گائو ایفا می کند: بدنام کردن ناپسر و عبور پسر از آتش و مراسم سوگند و سربلند بیرون آمدن پسر از این آتش. سیاوش هر چند از این آزمون با نیکنامی بیرون می آید؛ اما بدگمانی های اهریمنی پدر و دسیسه های نامادری، او را از وطن و خانه آواره کرده و موجبات مرگی جانسوز را در تنهایی برای او رقم می زند. اهریمن به خواسته خود رسیده؛ ولی پیروزی اهریمن دیری نمی پاید و رستم به خونخواهی سیاوش، سودابه را با شمشیر به دو نیم می کند. سودابه در شاهنامه نماد زنی اغواگر است که نه تنها خودش بلکه تمامی خانواده را به ورطه نابودی می کشاند.

گردآفرید

گردآفرید در شاهنامه دختر جنگاور گژدَهَم از پهلوانان دژ سپید است که در زمان لشکرکشی سهراب به ایران در لباس مردانه به جنگ با سهراب رفت. در میان نبرد چون سهراب به زن بودن او آگاه شد، گردآفرید تدبیری کرد و توانست با اندیشه از دست سهراب برهد. گردآفرید نماینده همان زنان دلیر و جنگاور ایرانی است که نمونه آنان را در سپاهیان هخامنشی و اشکانی و حتی ساسانی می بینیم.

او به عنوان یک زن چند صفت برجسته را همزمان به نمایش می گذارد. او پاکدامن است و اسیر وسوسه نمی شود. از سوی دیگر او دلاوری و شجاعت و بی باکی و وقار یک سردار بزرگ را دارد. همچنین او با تدبیر و با خرد است. عقل او بر احساسش غلبه دارد. داستان او در شاهنامه باز هم بازتابی است از آزادی زنان در جامعه ایران باستان. همای چهارآزاد

همای دختر بهمن پسر اسفندیار و معروف به چهارآزاد است. در کتب باستانی از او به عنوان هفتمین پادشاه سلسله کیانیان یاد شده است. در بندهش آمده است که همای بعد از بهمن مدت ۳۰ سال پادشاهی کرد و داراب پسرش را ولیعهد خود کرد. او را سازنده شهر جزفادقان یا گلپایگان می دانند. حمزه اصفهانی نیز نوشته است که خمیمن شهری بود زیبا و شگفت آمیز در راستای تیمره در اصفهان که همای چهارآزاد دختر بهمن آن را ساخت و اسکندر آن را ویران کرد.

سیندخت

مهراب پادشاه کابلستان از خانواده ضحاک است. شاه از سام خواسته است که به کابلستان لشکرکشی کرده آنجا را به خاک و خون بکشد. زال عاشق رودابه دختر مهراب می باشد. سین دخت مهراب و مادر رودابه است و زنی با کفایت و درایت می باشد. وقتی می فهمد سام به کابلستان لشکر خواهد کشید شخصاً برای دیدن او حرکت کرده و به نزد سام می رود و با او به صحبت می پردازد و سین دخت می خواهد سام را از این لشکرکشی منصرف نماید.

دل بی گناهان کابل موز

که آن تیرگی اندر آید بروز

از آن ترس کوهوش و زور آفرید
درخشنده ناهید و هور آفرید

سام از هوش خرد سین دخت متعجب شد.

زجائی کجا مایه چندین بود
فرستادن زن چه آیین بود

چو دید آن چنان پهلوان پر خرد
ستائید او را چنان چون سزد

مجدداً سین دخت با بیان نغز و هوشمندانه خود می خواهد سام را برسر آشتین آورد.

چنین گفت سین دخت با پهلوان
که بارای تو پیر گردد جوان

بزرگان ز تو دانش آموخته
به تو تیره گیتی برافروخته

به داد تو شد بسته دست بدی
به گرزت گشاده ره ایزدی

به این ترتیب سام نرم می شود و به او قول مساعدت می دهد و سین دخت می گوید اگر کسی اشتباه و خطائی کرده است چرا مردم کابل بایستی نابود شوند:

اگر ما گنه کار و بد گوهریم
بدین پادشاهی نه اندر خوریم

گنه کار اگر بود سهراب بود
ز خون دلش مژه بر آب بود

سر بی گناهان کابل چه کرد
کجا اندر آورد آید گرد

همه شهر زنده برای تواند
پرستنده خاک پای تواند

سام از شاه اجازه می خواهد از گناه مردم کابل صرف نظر شود. بر اثر هوش و کفایت و سخن رانی سین دخت نتایج زیر حاصل می شود: شاه ایران وساطت سام را می پذیرد. سان اجازه می دهد که زال با دختر سین دخت، رودابه

ازدواج کند. از قتل و خونریزی جلوگیری می شود و کابل از خطر انهدام نجات می یابد.

زن گشتاسب

ترک ها به بلخ تاخته و آنجا را به غارت گرفته و مردم را قتل عام نموده اند. لهراسب با اینکه با آنها دلیرانه رزم کرده ولی کشته شده است. گشتاسب در این موقع شاه سیستان است و زن او در نزد لهراسب می باشد. این زن دارای یک دنیا احساس و درعین حال محتاط و خیلی عاقل و هوشمند است. برای نجات بلخ از دست ترکان به شیوه آنها لباس می پوشد و اسبی از اصطبل سوار شده و به سرعت راه سیستان را که شوهرش گشتاسب در آنجا بوده است، در پیش می گیرد. ناراحت و مضطرب برای آنچه در بلخ گذشته، بدون اینکه خواب به چشمش آید شب و روز راه می پیماید، به طوریکه در هر روز راه دو روز را طی می کند تا به نزد گشتاسب می رسد و به او خبر می دهد که یک سپاه تورانی به بلخ آمده و لهراسب کشته شده و روز از این واقعه شب تاریک و پر از درد و رنج شده است.

زنی بود گشتاسب را هوشمند
خردمند و دانا و رایش بند

از آخر چمان باره ای برنشست
به کردار ترکان میان را به بست

از ایران ره سیستان برگرفت
وز آن کارها مانده اندر شگفت

نخفتی به منزل چو برداشتی
دو روزه به یک روز بگذاشتی

چنین تا به نزدیک گشتاسب شد
به آگاهی درد لهراسب شد

گشتاسب ابتدا کار را سهل می پندارد و زنش به او می گوید که موضوع خیلی جدی تر از آنست که تصور می کنی:

چنین داد پاسخ که یاهو مگوی
که کاری بزرگی که آمدش روی

شهنشاه لهراسب را پیش بلخ
بکشتند شد بلخ را روز تلخ

وز آنجا آذر اندر شدند
ز دوهیر بد را همه سر زدند

زخون شان فروزنده آذر بمرد
چنین بد کسی خوار نتوان شمرد
ببردند بس دخترانت اسیر
چنین کار دشوار آسان مگیر

و اضافه می کند که تمام دختران تو را اسیر کرده اند و به آفرید دختر تو را که وزش نسیم به او دسترسی نداشت، تاج از سرش برداشته اند و ظلم های ناگفتنی کرده اند و طوری با احساس صحبت می کند که اشک های خونین از چشم شوهرش جاری می شود و گشتاسب چنان تحت تأثیر قرار می گیرد که فوراً برای نجات بلخ لشکر می آراند و حرکت می کند.

مجموعه مطالعات اسطوره شناسی بهاره کریمی



ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «معرفی زنان (بانوان) که در شاهنامه حضور دارند»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1800/pdf/زنان-بانوان-شاهنامه.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵